



تهیه و تنظیم:  
فرمانز ورکیانی

# گفت‌و‌گو با دکتر رضا قراخانلو رئیس کمیته‌ی ملی المپیک

## اشاره

دکتر رضا قراخانلو که امروز بر مسند ریاست کمیته‌ی ملی المپیک نشسته است و راهبری یکی از عالی‌ترین سازمان‌های ورزش را بر عهده دارد، افتخار می‌کند که دیروز در کسوت معلمی ورزش، با کودکان، نوجوانان و جوانان از نزدیک مأنوس بوده و با آن‌ها ساعات درس تربیت‌بدنی را به پیش می‌برده است. جبر روزگار او را از آموزش و پرورش جدا می‌سازد و در دانشگاه مشغول می‌کند. در این کسوت نیز در حال تربیت کسانی است که بخش اعظم آن‌ها معلم یا دبیر ورزش‌اند. معلمی ورزش را شغلی بی‌بدیل می‌داند که فرصت انتقال تجربیات ورزشی، تربیتی، ارزشی و اخلاقی را به نسل آینده فراهم می‌کند. با او به گفت‌و‌گو نشستیم تا معلمان ورزش کشورمان، با خیل نخبگانی که از میان آن‌ها برخاسته‌اند و اکنون در مراکز علمی و اجرایی کشور مشغول خدمت به ورزش کشورند، بیشتر آشنا شوند.

هیچ دلیل دیگری برای جدا شدن از آموزش و پرورش نداشتم.

از سال ۶۵-۶۴ تاکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس هستم. مسئولیت‌های اجرایی ام عبارت‌اند از: در سال ۶۴، به مدت سه یا چهار سال، رئیس مرکز آموزش تربیت‌بدنی سازمان تربیت‌بدنی، یک سال مدیرکل تربیت‌بدنی وزارت علوم، سه سال، رئیس پژوهشکده‌ی تربیت‌بدنی وزارت علوم، و چهار سال معاون فرهنگی و آموزشی سازمان تربیت‌بدنی، حدود یک سال قائم مقام سازمان در اجرای نظام جامع ورزش. اکنون دو سال و اندی است که در کمیته‌ی ملی المپیک مشغول خدمت هستم. دکترای خود را در رشته‌ی فیزیولوژی ورزش در گرایش «سازگاری‌های عصبی عضلانی»، از دانشگاه مونترال کانادا، فوق‌لیسانس را از دانشگاه تربیت مدرس و لیسانس را هم از دانشگاه تربیت معلم دریافت داشتم.

از این که قبول زحمت کردید و دعوت ما را پذیرفتید، متشکریم. شما در گذشته‌های دور از معلمان ورزش این کشور بوده‌اید. خواستیم بدانیم، چگونه به سمت استادی دانشگاه ارتقا پیدا کردید و هم‌چنین در حال حاضر به عنوان یک مدیر اجرایی، در سمت ریاست کمیته‌ی ملی المپیک قرار گرفتید؟ برای خوانندگان مجله‌ی مروری برای حرکت داشته باشید تا معلمین بدانند، از بین آن‌ها کسانی هستند که به مملکت و ملت در بالاترین سطح خدمت می‌کنند.

○ بنده حدود سال تحصیلی ۶۰-۵۹ وارد آموزش و پرورش شدم و در سمت معلم ورزش، در منطقه‌ی ۱۶ تهران کارم را آغاز کردم. شش سال هم معلم ورزش بودم و به دلیل قبولی در کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، به اجبار از آموزش و پرورش جدا شدم، چرا که یکی از شروط ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس، کار کردن به عنوان عضو هیئت علمی در آن جا بود.





انتخاب کنیم، بدون تردید بر بعد انسان ساز بودن و تربیت آن تأکید می کنیم.

به همین دلیل می توان گفت، مهم ترین کار در تربیت بدنی ورزش، واقعاً همان کاری است که در آموزش و پرورش و در مدارس، به دست معلمین ورزش صورت می گیرد. و برای این که بدانیم این موضوع تعارف نیست، کافی است قدری روی انسان شناسی تعمق کنیم. به طور کلی، ما وقتی به ابعاد وجودی انسان می نگریم، به

تعریفی که علم و نیز دین ما از انسان دارد، توجه می کنیم، و نظریه های روان شناسی را مورد بررسی قرار می دهیم، درمی یابیم که همه حکایت از حساس بودن و طلایی بودن دوران رشد دارند. انسان ها در دوران رشد شکل می گیرند و بخشی از این شکل گیری، از طریق حرکت و فعالیت صورت می پذیرد که توجیحات فیزیولوژیکی و بیولوژیکی روشنی نیز دارد.

تجربیات من در این ایام حاکی از آن است که هم بعد بین المللی و بعد قهرمانی ورزش اهمیت زیادی دارد، هم بعد فرهنگی و بعد سلامتی آن. به خصوص در دنیای کم تحرک امروزی، آن چه که در کانون همه ی این ابعاد قرار می گیرد، بعد تربیتی ورزش است که با آموزش و پرورش و سنین رشد کودکان سروکار دارد. از همین جا، با ورود به نقش معلم ورزش باید عرض کنم، به دور از این که بازی با کلمات باشد، بهترین دوران کاری و زندگی من دورانی بود که معلم ورزش بودم،



در مسائل تعلیم و تربیت ورزشی، هدف اصولاً خدمت به جامعه در بخش های گوناگون است، اگرچه ممکن است برخی جنبه های آن از نظر هدف های راهبردی با هم متفاوت باشند، ولی در کل از یک سمت و سو برخوردارند. از آن جا که شما، هم با ورزش دانش آموزان و هم با ورزش قهرمانی سروکار داشته اید، مشکلاتی را که در این زمینه وجود دارند، و راه های به حداقل رساندن این مشکلات را بیان بفرمایید.

○ به طور کلی، بنده از تجربیات متنوعی در زمینه های آموزشی و پژوهشی برخوردارم، اما از تجربیات اجرایی و مدیریتی هم دور نبوده ام. حتی تجربیات بین المللی نسبتاً قابل توجهی نیز کسب کرده ام. در یک جمله باید عرض کنم، با توجه به فلسفه ی تربیت بدنی و نیز مسائل انسان شناسی، به ویژه انسان شناسی اسلامی، تربیت بدنی ابزار تربیتی قوی و انسان سازی است که اگر ما مجبور باشیم یک وجه از وجوه تربیت بدنی ورزش را

پرورشی» است. منظور از ورزش پرورشی، ورزشی است که بیشتر به تربیت و آموزش می‌پردازد و شکل بارز آن در ورزش دانش‌آموزی دیده می‌شود. در مجموع ما چهار نوع ورزش داریم: ورزش حرفه‌ای، ورزش قهرمانی، ورزش همگانی و ورزش پرورشی.

در طرح جامع، برای پیشبرد امور ورزش پرورشی شورایی قوی پیش‌بینی شده که در این شورا، رئیس سازمان تربیت بدنی، رئیس شورا است و معاون ورزش دانش‌آموزی، یعنی معاون وزیر آموزش و پرورش، دبیر شورا را بر عهده دارد. سایر اعضای آن عبارت‌اند از: معاونین سازمان، مسئولین ورزش دانش‌آموزی و دانشجویی، و برخی از نخبگان. فرض بر این بوده است که این شورا می‌تواند برای ورزش دانش‌آموزی سیاست‌گذاری کلانی داشته باشد و مهم‌تر از آن، بین ورزش دانش‌آموزی و ورزش ملی پیوند برقرار سازد.

همان‌طور که مستحضرید، ما در بدنه‌ی آموزش و پرورش، «شورای عالی آموزش و پرورش» را داریم که شورای بسیار ارزشمندی است. به علاوه، معلمین و مدیران ورزش و کارشناسان گران‌قدری در ورزش دانش‌آموزی داریم که این مجموعه همگی توانایی برنامه‌ریزی را دارند، اما نکته‌ی مهم فقدان ارتباط میان ورزش دانش‌آموزی و ورزش ملی و جزیره‌ای بودن و دورافتاده بودن ورزش دانش‌آموزی است. شورایی که عرض کردم می‌تواند این مشکل را برطرف کند.

نکته‌ی مهم دیگر تأمین اعتبارات و منابع مالی و سخت‌افزاری و حتی بخشی از منابع نرم‌افزاری است. شاید نباید انتظار داشته باشیم که آموزش و پرورش که یک خانواده‌ی عیال‌واری است، بتواند به نحو شایسته از ورزش دانش‌آموزی حمایت کند. از این رو در طرح جامع، تشکیل شورای ورزش پرورشی مد نظر قرار گرفته است تا این مشکل را حل کند و منابع سازمان تربیت بدنی و کمیته‌ی ملی المپیک را به منابع آموزش و پرورش پیوند بزند. همین‌جا عرض کنم، در



چرا که در آن دوره، بالاترین رضایت‌شغلی را داشتم. در آن زمان، من در جنوب شهر معلم ورزش بودم و به لحاظ امکانات و وسایل و نیز وضعیت معیشتی خودم، شاید شرایط دل‌پذیر نبود، اما حقیقتاً تعامل بین من و شاگردانم به حدی زیبا و انرژی‌بخش بود که من آن ایام را بهترین ایام زندگی‌ام تلقی می‌کنم و هرگز مانند آن زمان رضایت‌شغلی نداشته‌ام.

شما به مدت یک سال، قائم مقام سازمان تربیت بدنی بوده‌اید و در طراحی و اجرای «نظام جامع ورزشی» که به اعتقاد من یکی از بنیادی‌ترین طرح‌هاست، مشارکت داشته‌اید. حال به عنوان کسی که دست‌اندرکار و مدیر این پروژه بوده‌اید، در خصوص این طرح و آنچه که برای ورزش دانش‌آموزی در آن در نظر گرفته شده است، توضیح بفرمایید.

زیربنایی بودن نقش ورزش دانش‌آموزی همان‌گونه که عرض کردم، در کتاب‌ها و منابع گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است و نظام جامع ورزش هم براساس همین منابع علمی طراحی شده است. یکی از بخش‌های این نظام «ورزش





کسی که معلمی کرده است، این مطلب را به خوبی می‌فهمد که پرورش استعداد یعنی چه؛ به ویژه در ورزش، این موضوع قلب تپنده‌ی ورزش است و این قلب هم در آموزش و پرورش می‌تپد

بدن بها می‌دهند. حتی کار را به جایی رسانده‌اند که حرف‌هایی نظیر حرف‌های ماکارنکو را به زبان می‌آورند و می‌گویند، ما آمادگی داریم که هر کودکی را قهرمان کنیم. در سمیناری حضور داشتیم که به طور جدی نشان دادند، یافته‌های علمی ثابت می‌کند، مسئله استعدادیابی باید به این شکل تعریف شود که ما شرایط مناسب را به لحاظ تربیتی برای همه‌ی کودکان فراهم کنیم. از نظر علمی ثابت شده است، پرورش استعداد ورزشی در ظرفی شکل می‌گیرد که نامش آموزش و پرورش است.

من خودم به عنوان معلم ورزش، تجربیات گران‌بهایی در این زمینه دارم. ما در آن دوران، متناسب با شرایط زمانی و مکانی، از طریق ورزش به آموزش احادیث دینی می‌پرداختیم. مفاهیم احادیث دینی، مثل نظم و انضباط، ضرورت داشتن رهبر و فرمانده، و بحث ولایت را، از طریق بازی‌ها به بچه‌ها منتقل می‌کردیم و می‌دیدیم که استعداد بچه‌ها برای گرفتن این مسائل بسیار زیاد است. حتی در بعد قهرمانی چند دانش‌آموز داشتیم که بعدها به تیم ملی پیوستند. این کودکان مثل زمین تشنه‌ای بودند که اگر آموزش صحیحی به آن‌ها داده می‌شد، واقعاً جذب می‌کردند. کسی که معلمی کرده است، این مطالب را به خوبی می‌فهمد که واقعاً پرورش استعداد یعنی چه. به ویژه در ورزش، این موضوع قلب تپنده‌ی ورزش است و این قلب هم در آموزش و پرورش می‌تپد.

اشاره داشتید به این نکته که یک دوران طلایی برای بهره‌گیری در ورزش وجود دارد که بخشی از آن در آموزش و پرورش می‌گذرد. حال اگر ما بخواهیم از همه‌ی ظرفیت‌هایی که در ورزش کشور وجود دارد، چه در سازمان تربیت بدنی و فدراسیون‌ها، چه در آموزش و پرورش و غیره، به لحاظ ساختاری و تشکیلاتی و امکانات فیزیکی، به خوبی استفاده کنیم، در بعد کلان چه کارهایی باید صورت بگیرند؟ در بخش‌های پایینی، انسان‌ها چگونه باید رفتار کنند تا همان‌طور که اشاره داشتید، بتوانیم از این استعدادها بهتر و بیشتر بهره‌مند شویم؟

مطالعاتی که روی حدود ۳۰ کشور داشتیم، مشاهده کردیم که به طور میانگین حدود ۱۳ درصد از منابع مالی آموزش و پرورش کشورها به ورزش دانش‌آموزی اختصاص دارد، درحالی‌که این عدد در کشور ما حدود نیم درصد است. بنابراین در طرح جامع، این پیش‌بینی‌ها صورت گرفته بود که به شکل جدی پیگیری نشد.

البته طی چهار سال گذشته، چهار یا پنج جلسه از «شورای ورزش پرورشی» تشکیل شد که به نظر من ناکافی است و باید استمرار پیدا کند. از جمله بحث‌هایی که در این شورا می‌توان مطرح کرد، بحث ساختار کلان تربیت بدنی آموزش و پرورش و نیز مسئله‌ی ورزش قهرمانی در آموزش و پرورش است. به هر شکل، چه بخواهیم و چه نخواهیم، ورزش قهرمانی پدیده‌ای زیبا و مورد توجه دنیاست. هم‌چنین در این شورا باید به وضعیت فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و مسائل معلمین ورزش نیز پرداخته شود.

اجازه دهید وارد ابعاد علمی قضیه بشویم و بحث استعدادیابی در ورزش کشور. زمانی که کودکان در مدارس هستند، بیشترین آمادگی و استعداد را در زمینه‌ی ورزش دارند. به لحاظ علمی می‌خواهیم بدانیم، آیا این استعدادیابی ضرورت دارد؟ اگر بله، به لحاظ علمی چه قدر می‌تواند ورزش کشور ما را بیمه و به جلو هدایت کند؟

طبق منابع علمی، فردی که می‌خواهد قهرمان شود، به چیزی حدود ۱۰ هزار ساعت تمرین نیاز دارد. آن هم تمرینی هدفمند و باقاعده. این ۱۰ هزار ساعت تمرین نمی‌تواند از سن ۴۵ تا ۶۰ سالگی باشد. باید در ایامی باشد که فرد هم به لحاظ بیولوژیکی و هم از نظر ذهنی و ظرفیت‌های خاص مغزی، در حال رشد و شکل‌گیری باشد. بنابراین علم به ما می‌آموزد که همه‌ی بچه‌ها مستعد هستند و شرایط تبدیل شدن به یک قهرمان را دارند. فقط باید در فرصت مناسب و دوران طلایی رشد خوراکی که نیاز دارند، به آن‌ها داده شود. اگر در گذشته روی ترکیب فیزیکی بچه‌ها فکر می‌شده، الان به روان‌شناسی و فیزیولوژی

○ در سطح بالا به نظر من اصلاح ساختاری ورزش امری اساسی است. سؤال این است که چه طور برخی از کشورهای توسعه یافته، فقط با داشتن یک کمیسیون و یک شورا، ورزش را اداره می کنند؟ در کشور ما هم، سیاست گذاری باید به صورت متمرکز باشد و اجرا به صورت غیر متمرکز. یعنی آموزش و پرورش، دانشگاه ها، ارتش، کارگران، شهرداری ها، و بخش های متفاوت باید در اجرا استقلال عمل داشته باشند، اما سیاست گذاری باید به صورت متمرکز و کلان باشد. باید قالب را اصلاح کنیم. شورای عالی ورزش الان فعال نیست، در حالی که مرکز اصلی تصمیم گیری برای ورزش کشور باید «شورای عالی ورزش» باشد.

سازمان تربیت بدنی بیش از حد بزرگ و کند است. به جای این که حلال مشکلات باشد، در بسیاری از زمینه ها مشکل ساز نیز هست. از هم گسیختگی ورزش کشور کاملاً مشهود است. بنابراین در سطح بالا، تمرکز در سیاست گذاری و استقلال عمل در اجرا می تواند راه گشا باشد. در سطح پایین، اجازه دهید من نکته ای را به معلمین ورزش بگویم. واقعیت این است که معلمین ورزش باید با دانش روز آشنا باشند و اطلاعات علمی خود را در بالاترین سطح ممکن حفظ کنند. حتی در شرایط فعلی، بخش عظیمی از فرهنگ ورزش ما از تجربه ی معلمین ورزش شکل می گیرد. اگر الان برخی قهرمانان ما کم سواد هستند، اگر به لحاظ شخصیتی، از تکامل کافی برخوردار نیستند، و اگر در اجرای مهارت ها مشکل دارند، تمامی این اگرها می تواند به معلمین ورزش برگردد. مخصوصاً الان که آموزش و پرورش ما فراگیر است و کسی نیست که از زیر چتر آموزش و پرورش خارج باشد، معلمین ورزش باید به دانش خود اضافه کنند.

نکته ی دیگر این که آموزش و پرورش باید تب و تاب لازم را داشته باشد؛ هم از بعد سلامت بخشی و هم از بعد قهرمانی. من به معلمین ورزش توصیه می کنم، نقش خود را در اداره ی

ورزش کشور پررنگ تر کنند. باید تشکل هایی علمی و صنفی ایجاد کنند. آن ها در تعیین مدیریت کلان کشور هیچ نقشی ندارند، در حالی که باید در صحنه حاضر باشند. در دل آموزش و پرورش معلمین ورزش باید بتوانند، با استدلال و منطق، برای مدیریت کلان آموزش و پرورش اهمیت بخش خود را به روشنی توجیه کنند.

اکنون اجازه دهید، به برخی جنبه های مثبت اشاره کنم. واقعیت این است که طی ۲۰ سال گذشته، تعداد معلمین ورزش افزایش و کیفیت عملکرد آن ها نیز رشد خوبی داشته است. اغلب آن ها هم تحصیل کرده هستند. بنابراین، مسئله ی نیروی انسانی در آموزش و پرورش از رشد خوبی برخوردار بوده است، اگرچه ما از نظر سخت افزاری گله مند هستیم که چرا از وضعیت مطلوب دوریم، اما به نسبت گذشته رشد بسیار خوبی را می بینیم.

اطلاع دارم که در دوره ی مدیریت دکتر سجادی، بحث سالن های کنار مدارس ورزش به تصویب رسید و ۴۰۰ سالن باید ساخته شود که اگر این تعداد به چهار یا چهار هزار برسد، بسیار امیدوار کننده خواهد بود. در زمینه ی درس تربیت بدنی یا ورزش در مدارس، در مورد دوره های بازآموزی مربیان، و نیز در ارتباط با نقش معلمین زن که نقش بسیار مهمی دارند، اقدامات مثبتی صورت گرفته است و مکتوبات زیادی را می بینم.

البته برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید کارهای زیادی انجام گیرد.

در همین جا به نشریه ی شما اشاره می کنم. داشتن این نشریه با این نظم و انضباط و با محتوای کاملاً کارشناسی شده، خود علامت رشد است که در ورزش دانش آموزی می توانیم ببینیم. شاید زمانی که ما معلم ورزش بودیم، به زحمت می شد منبعی پیدا کرد، ولی الان این نشریه با استفاده از بهترین و متخصص ترین افراد، چکیده و عصاره ی مطالب را در اختیار معلمین قرار می دهد و باعث می شود که دانش معلمین ورزش در اقصا نقاط کشور با معلمین تهران همسان باشد. این ها نکات







عکس: حمیدرضا همتی

ورزش را خالی می‌بینیم. به ورزش دانش آموزی فقط در حد یک خبر توجه می‌شود، اما شما دائماً شاهد پخش مسابقات فوتبال از دو سه لیگ معروف دنیا هستید. ظاهراً به جای این که رسانه‌ی ملی ما در بخش ورزشی به فرمایش حضرت امام، نقش دانشگاه را ایفا کند، بعضاً به سوپرمارکتی تبدیل شده است که ببینند مشتریانش چه جنسی را می‌خواهند. حال اگر مشتریان این سوپرمارکت جنس بدی را هم بخواهند، ظاهراً فروشگاه برایشان تهیه کند.

از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، بسیار سپاس گذاریم. از طرف «رشد آموزش تربیت بدنی» برای شما موفقیت‌های بیشتری را آرزو می‌کنیم. در خاتمه اگر توصیه‌ای در رابطه با نشریه دارید، در خدمت شما هستیم.

به شما تبریک می‌گویم که وقت خود را صرف اموری می‌کنید که هم خدا راضی است و هم اثربخشی بسیار بالایی در رشد ورزش دارد. علی‌رغم این که نشریه‌ی شما جوان است، سیر تکاملی بسیار خوبی را داشته است. انشاءالله موفق باشید و از این که اجازه دادید در خدمت شما باشم، مجدداً تشکر می‌کنم.

بسیار امیدوار کننده‌ای هستند که باید تقویت شوند.

با توجه به این که رسانه‌ها نقش بسیار گسترده‌ای در گسترش ورزش کشورمان دارند، مشاهده می‌شود که در بخش صداوسیما و مطبوعات، به ابعاد ورزش قهرمانی و به خصوص مسائل باشگاهی فوتبال توجه زیادی می‌شود، اما ورزش دانش آموزی سهم بسیار اندکی در این رسانه‌ها دارد. به طوری که در نشریه‌ای که روزانه منتشر می‌شود، شاید فقط یک هزارم مطالبش مربوط به ورزش دانش آموزی باشد. شاید یکی از دلایل بی‌توجهی به ورزش دانش آموزی، همین بی‌توجهی رسانه‌ای، چه در سطح رسانه‌ی ملی و چه در مطبوعات باشد. نظریه‌ی شما چیست؟

اجازه بدهید، به عنوان معلم ورزش عرض کنم که در مورد رسانه‌های نوشتاری ورزشی وضع این طور است که باید بگوییم: ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسان. برخی رسانه‌ها کار را به جایی رسانده‌اند که موجب انحراف در فلسفه‌ی تربیت بدنی و ورزش کشور می‌شوند. برای مثال تأکیدی که روی فوتبال می‌شود، بیشتر از حد حساس و در حد مسمم‌کننده است. تأکیدی که روی مسائل جنجالی و کلیشه‌ای، و مسائل غیرتربیتی می‌شود، آسیب زنده است. متأسفانه شرایط را به نحوی شکل داده‌اند که فرعیات بر نکات اصلی کاملاً غلبه دارند و از صبح تا شب، انرژی مردم صرف مسائل غیرعلمی می‌شود.

اگر تشویق و ایجاد انگیزه در انسان‌ها و ورزشکاران می‌تواند معجزه کند، ما چه قدر از آن در رسانه‌ها برای نونهالان استفاده می‌کنیم. خود من فراموش نمی‌کنم، وقتی نام برای اولین بار به عنوان منتخب تیم نوجوانان در جراید چاپ شد، واقعاً در پوست خود نمی‌گنجیدم. این گونه تشویق‌ها ارزش بسیار بالایی دارند. تقدیر و تشکر از این زحمت‌کشان در جراید دیده نمی‌شود. شاید یکی از راه‌حل‌ها این باشد که اگر آموزش و پرورش ما منابع مالی کافی داشته باشد، نشریات متنوعی در زمینه‌ی ورزش دانش آموزی منتشر کند.

در رسانه‌های ملی هم، جای بررسی و نقد